

نابرابری آموزشی

نقش جامعه، مدرسه، خانواده و فرد

تالیف:

حسنى، محمد، 1350-.

نايرابرى آموزشى: نقش جامعه مدرسه و خانواده و فرد/ تاليف محمد حسنى و سهيلا احمدى.-
اروميه: دانشگاه اروميه، 1397.

318ص.: نمودار، (انتشارات دانشگاه اروميه: 228).

شابک: 978-600-8681-18-2.

کتابنامه.

1- آموزش و پرورش - جنبه های اجتماعى . 2- مدرسه- جنبه های اجتماعى. الف.
احمدى، سهيلا، نويسنده همکار. ب. عنوان. ج. فروست.

شماره ملی: 5087081—رده کنگره: 5/1397ح2ن/، LC، 191،

عنوان: نايرابرى آموزشى: نقش جامعه مدرسه و خانواده و فرد

مؤلف: محمد حسنى و سهيلا احمدى

ناشر: دانشگاه اروميه

سال نشر: 1397

شابک: 978-600-8681-18-2.

قيمت:

آدرس: اروميه- دانشگاه اروميه- 04432779930 -09141869427-- پاشازاده

پیش گفتار

آموزش، دانش به مفهوم کلی، هر نوع یادگیری است که ما از رسانه‌های مختلف بدست می‌آوریم. آموزش از اولین روز مدرسه شروع نمی‌شود و محدود به چهار دیوار مدرسه نیز نمی‌باشد. بلکه از اولین تعاملات ما به‌عنوان انسان شروع شده و تا زمان مرگ ادامه می‌یابد. ما از هر چیزی که می‌شنویم، می‌بینیم و احساس می‌کنیم یاد می‌گیریم. بنابر این، مدارس تنها محل یادگیری نیستند اما بخش اعظم یادگیری از طریق آموزش رسمی در مدارس اتفاق می‌افتد. با در نظر گرفتن این مسئله که تمام فعالیتها و فرآیندهای مدرسه تحت تاثیر عوامل فردی و خانوادگی، منابع، خط‌مشی‌ها و فعالیت‌های آموزشی و مدیریتی در سطح سیستم آموزشی مدرسه و ملی قرار دارد، سیستم‌های اثربخش مدارس نیازمند ترکیبی از پرسنل آموزش دیده و بااستعداد، منابع و تسهیلات آموزشی مناسب، جو مناسب و دانش‌آموزانی که آماده یادگیری هستند می‌باشد.

علاوه بر این، آموزش و پرورش دارای کارکردهایی مانند جامعه‌پذیری، انسجام اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و کمک به تحرک اجتماعی صعودی است. اما نابرابری‌های خاصی وجود دارند که بر آموزش و پرورش و کارکردهای آن تاثیر منفی دارند. این نابرابری‌ها می‌توانند ریشه در عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و ملی داشته باشند. بنابر این، باید شناسایی این نابرابری‌ها و تلاش در جهت برابری از اولویتهای صاحب‌نظران آموزش و پرورش، برنامه‌ریزان آموزشی و درسی و قانون‌گذاران عرصه آموزش باشد.

با توجه به اینکه کتاب حاضر اطلاعات مفیدی در مورد نابرابری آموزشی و علل و عوامل آن ارائه می‌کند، مطالعه آن به معلمان، مربیان، مشاوران، دانشجویان دبیری و کلیه علاقه‌مندان حوزه آموزش و پرورش توصیه می‌شود.

فصل اول کتاب، اهمیت و نقش آموزش را مورد بررسی قرار خواهد داد. با توجه به اهمیت مفهوم عدالت، در فصل دوم کتاب این مفهوم از دیدگاه اسلام و مکاتب غربی مورد بررسی و مقایسه قرار خواهند گرفت. مفاهیم و دیدگاه‌های برابری و برابری آموزشی در

فصل سوم مورد نقد و بررسی قرار خواهند گرفت. با توجه به نقش مهم مدرسه در ایجاد نابرابری، فصل چهارم بر نابرابری مدرسه‌ای متمرکز شده و نخست اثربخشی مدرسه و ویژگی‌های مدارس موفق را مورد بحث و بررسی قرار داده و سپس عوامل مدرسه‌ای نابرابری آموزشی را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد. با توجه به اهمیت خانواده به‌عنوان نخستین نهاد تربیتی و نقش و مسئولیت خود فرد در جهت‌دهی و کسب و تجزیه و تحلیل تجارب یادگیری، فصل پنجم کتاب به نقش خانواده و دانش‌آموز در ایجاد نابرابری آموزشی خواهد پرداخت. فصل ششم، راهبردهای کاهش نابرابری آموزشی را با توجه به سطح مداخلات، ماهیت و سطح راهبردها مورد بررسی قرار داده و راهکارهای پیشنهادی نهادهای بین‌المللی را ارائه خواهد کرد. در فصل هفتم، جمع‌بندی از موضوعات مطرح شده در کتاب ارائه خواهد گردید.

این اثر از اشتباهات و نواقص، مبری نمی‌باشد؛ بنابر این، نویسندگان کتاب از ارائه پیشنهادهای و انتقادات استقبال نموده و از ژرف‌نگری خوانندگان محترم قدردانی می‌نمایند.

نویسندگان چند نفرند؟ [M1] Commented

فهرست مطالب

۱	فصل ۱- اهمیت و نقش آموزش
2	اهمیت آموزش و تربیت
3	اسلام
11	سرمایه‌داری
14	سوسیالیسم
18	کمونیسم
21	لیبرالیسم
23	نقش آموزش و تربیت
26	جامعه‌شناسی آموزش و پرورش
27	دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در مورد آموزش
30	آموزش و تحرک اجتماعی
34	فصل ۲- عدالت
36	عدالت در اسلام
39	عدالت از دیدگاه رسول اکرم (ص)
44	عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع)
53	عدالت از دیدگاه علامه جعفری
55	عدالت از دیدگاه علامه طباطبایی
57	عدالت از دیدگاه شهید مطهری
63	عدالت از دیدگاه امام خمینی (ره)
71	عدالت در اندیشه سیاسی غرب
72	محافظه‌کاری
72	لیبرالیسم
73	سوسیالیسم
73	لیبرال دموکراسی
77	فصل ۳- مفاهیم برابری و نابرابری
78	نابرابری آموزشی
80	برابری آموزشی

82	تئوریهای برابری آموزشی
82	کثرت‌گرایی و برابری پیچیده مایکل والزر
85	نظریه عدالت به مثابه انصاف راولز
88	نظریه قابلیت‌های سن
89	انواع برابری
95	فصل ۴- نابرابری مدرسه‌ای
98	نظام آموزشی ملی
110	اثربخشی مدرسه
138	ویژگی‌های مدارس موفق
157	ویژگی‌های مدارس کمتر موفق
160	عوامل مرتبط با مدرسه در ایجاد نابرابری مدرسه‌ای
160	عوامل مرتبط با نوع مدرسه
166	تاثیر سایز مدرسه و سایز کلاس
166	عوامل مرتبط با زیرساخت‌ها و منابع آموزشی مدرسه
169	عوامل مرتبط با خط‌مشی‌های مدرسه
177	عوامل مرتبط با جو مدرسه
180	عوامل مرتبط با منابع انسانی مدرسه
190	عوامل مرتبط با آموزش مدرسه‌ای
۱۹۶	فصل ۵- عوامل مرتبط با دانش‌آموز و خانواده در ایجاد نابرابری آموزشی
199	عوامل مربوط با ویژگی‌های روان‌شناختی و تواناییهای دانش‌آموز
199	هوش
200	خودپنداره تحصیلی
201	خودکارآمدی تحصیلی
202	انگیزه پیشرفت
204	اهداف پیشرفت
205	مشارکت دانش‌آموز
206	زبان
208	راهبردهای یادگیری

210	آموزش سایه
216	تعلق به مدرسه
217	ادراک انصاف در مدرسه
218	رابطه معلم- دانش آموز
219	انتظارات معلم از پیشرفت تحصیلی دانش آموز
220	عوامل مرتبط با زمینه خانوادگی و والدین
223	طبقه اجتماعی
228	انواع سرمایه
235	انتخاب مدرسه
236	درگیری والدین
239	مشارکت والدین
242	آرزوها و انتظارات تحصیلی والدین
242	محل زیست
244	فصل ۶- راهبردهای کاهش نابرابری
244	خط مشی‌های کاهش نابرابری
244	معیار اول: نوع مداخلات
246	معیار دوم : ماهیت راهبردها
257	معیار سوم: سطح راهبردها
257	پیشنهاداتی برای بهبود عدالت آموزشی
257	راه حل‌های پیشنهادی یونسکو
261	ده گام پیشنهادی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای بهبود عدالت آموزشی
263	راه کارهای پیشنهادی سند تحول بنیادین برای بهبود عدالت تربیتی
266	فصل ۷- جمع بندی و نتیجه گیری
269	واژه نامه
278	منابع و مأخذ

فصل اول

اهمیت و نقش آموزش

آموزش، فرایند تسهیل یادگیری، یا کسب دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها، اعتقادات و عادات است (دووی^۱، 1944، 4-1). آموزش می‌تواند در محیط‌های رسمی و غیررسمی صورت بگیرد و هر تجربه که تاثیر سازنده بر روش تفکر، احساسات یا عمل داشته باشد، می‌تواند آموزشی تلقی شود.

آموزش رسمی در محیط ساختارمندی روی می‌دهد که هدف آشکارش، آموزش دانش‌آموزان است. معمولاً آموزش رسمی در محیط مدرسه روی می‌دهد که دارای کلاسهای درسی هست که دانش‌آموزان کنار هم توسط معلم تعلیم دیده‌ای که مدرک موضوع درسی را دارد یاد می‌گیرند. علم اصول تدریس، فن آموزش و پرورش^۲ نامیده می‌شود. در حال که آموزش غیررسمی در خارج از کلاس درس، در برنامه‌های بعد از مدرسه، سازمانهای اجتماع محور، موزه‌ها، کتابخانه‌ها یا در خانه اتفاق می‌افتد. چهار تفاوت اصلی بین آموزش رسمی و غیررسمی وجود دارد که عبارتند از:

- بطور کلی، در کلاسهای درس، هر روز معلمان و دانش‌آموزان یکسان شرکت می‌کنند؛
- ممکن است فعالیتهای کلاسی چند روز طول بکشد. اما برنامه‌های بعد از مدرسه سعی می‌کنند هر روز یک فعالیت را تکمیل کنند، چون ممکن است فردا گروه متفاوتی در کلاس شرکت کنند؛
- مفروض است که معلمان مدرسه، سطح خاصی از آموزش در فلسفه آموزش، راهبردهای تدریس، مدیریت کلاس و محتوای تدریس داشته باشند. اما ارائه کنندگان آموزش رسمی از نظر تجربه و دانش تکنیک‌های تدریس، تسلط بر محتوا و مدیریت گروه، متفاوت هستند؛
- معلمان باید استانداردهای آموزشی و برنامه درسی را رعایت کنند. اما محتوای آموزش غیررسمی انعطاف‌پذیرتر هستند.

باید خاطر نشان شود که پیشرفت، پویایی ذهنی در مسیر حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب است و باعث می‌شود که زیرساختها و منابع کشور جهت رشد همه جانبه افراد و جامعه آماده گردد. تحقق چنین هدفی در نهایت می‌تواند بر اقتدار یک کشور در عرصه جهانی موثر باشد و مهمترین راه توسعه و پیشرفت، کسب و نشر علم می‌باشد. بنابر این، آموزش و تربیت اهمیت بسزایی دارند و در این فصل نخست اهمیت آموزش و تربیت مورد بررسی قرار گرفته و سپس نقش و کارکردهای آموزش در جامعه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

1-1 اهمیت آموزش و تربیت

¹ Dewey

² Pedagogy

تعلیم و تربیت، دو واژه‌ای هستند که به جای همدیگر به کار می‌روند در حالی که معانی متفاوت دارند. علامه جعفری در تبیین مقوله تعلیم و تربیت و تمایز بین «تعلیم» و «تربیت»، خاطر نشان می‌سازد:

«آموزش عبارت است از تعلیم؛ غیر از پرورش است که عبارت است از تربیت. آموزش، فراگیری است؛ فراگیری واقعیتی که بهترین وسیله روشنائی مسیر زندگی با ابعاد مادی و معنوی‌اش است. پرورش، گردیدن است و گردیدن، گرچه به فراگیری نیازمند است، ولی عین آن نیست، بلکه عبارت است از تحوّل و دگرگونی در من یا حداقل در عناصر فعال اساسی» (محمدتقی جعفری، 1379، ص 53).

آیا نوشتن نام کوچک لازم است؟ [M2] Commented

همان‌گونه که از تعریف مزبور برمی‌آید، تعلیم گام نخست تربیت است و به تعبیر علامه جعفری، «وسیله روشنائی مسیر زندگی». در اینجا به کارکرد تعلیم به مثابه «وسیله» اشاره شده است نه هدف. اگر تعلیم به تربیت منجر نشود مطمئناً وافی به مطلوب نخواهد بود. بنابراین، نظام تربیتی نباید فعالیت خود را در تعلیم خلاصه کند، بلکه این «گردیدن در مسیر کمال» است که فرایند تعلیم و تربیت را تکمیل کرده و به سرانجام می‌رساند.

واژه‌های تدریس و آموزش نیز به‌جای هم مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما متفاوت هستند. آموزش به کلیه فعالیت‌هایی که به طور رسمی و غیررسمی برای آموختن و نیز برای فعالیت‌هایی مانند خودآموزی، آموزشهای برنامه‌ای و آموزش از راه دور که بدون حضور معلم صورت می‌گیرند اطلاق می‌شوند. به بیان دیگر در آموزش وجود معلم الزامی نیست. اما در تدریس حضور معلم الزامی است و بدون او تدریس معنی ندارد.

بهتر اصطلاح تدریس تعریف و حدود آن با [M3] Commented آموزش مشخص شود.

آموزش، بزرگترین ابزار رشد و توسعه فرد و جامعه و همچنین وسیله‌ای برای شکوفا کردن سرمایه انسانی و توسعه اقتصاد ملی می‌باشد و در دین مبین اسلام جایگاه والایی دارد، اما مکاتب غربی دیدگاههای متفاوتی در مورد آموزش دارند. بنابر این، در این قسمت اهمیت آموزش در دین مبین اسلام و مکاتب سیاسی غرب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

1-1-1 اسلام

یکی از استعدادهای بسیار مهم انسان، کمال‌جویی اوست. انسان موجودی کمال‌خواه و حقیقت‌طلب است و دوست دارد تمام کمالات را دارا باشد، و از آن جهت که این استعداد و گرایش به سمت بی‌نهایت است و وجود بی‌نهایت از نظر معارف دینی تنها خدای متعال است که تمام کمالات را بالفعل دارد، می‌توان گفت که هدف و مطلوب نهایی در رویکرد تربیتی اسلام نزدیک شدن هر چه بیشتر به سرچشمه هستی و کمال مطلق (خداوند) است.

1-1-1-1 اهمیت آموزش در دین اسلام

در دین اسلام، تعلیم و تربیت جایگاهی ویژه دارد؛ به گونه‌ای که اولین آیات نازل شده درباره دانش آموختن می‌باشند: «أَفْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (1) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (2) أَفْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (3) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (4) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق/1-5). و همچنین قرآن کریم در بیان اهداف بعثت انبیا بر دو مسئله «تربیه» و «تعلیم» تأکید می‌ورزد. چنان که سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۴ چنین است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد [= نعمت بزرگی

بخشید؛ هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

در احادیث و روایات نیز بر اهمیت و لزوم علم آموزی در ابعاد مختلف آن (از تربیت بدنی گرفته تا تزکیه‌ی روحی) و از آموزش مسائل دینی تا تعلیم هر آنچه برای زندگی سودمند است تأکید شده است. برای نمونه، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ان العلم حياه القلوب و نور الابصار من العمی و قوه الابدان من الضعف» به‌راستی که دانش مایه حیات دل‌ها، روشن‌کننده دیدگان کور و نیروبخش بدن‌های ناتوان است (حرانی، 1376، ج 1، ص 28)؛ «العلم قاتل الجهل» دانش، نابودکننده نادانی است (آمدی، 1366، ص 56)؛ «العلم وراثه کریمه و الادب حلل محده و الفکر مراه صافیه» علم میراث گران‌بهایی است و ادب لباس فاخر و زینتی است و فکر آینه‌ای است صاف (سید رضی، نهج‌البلاغه، ص 469)؛ «لا شرف کالعلم» شرافتی چون دانش نباشد (حکمت/113)؛ «لاغنی کالعلم و لافقر کالجهل» هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری مانند نادانی نیست (حکمت/55)؛ «زکاه العلم بذله لمستحقه و اجهاد النفس فی العمل به» زکات دانش آموزش به کسانی است که شایسته آن‌اند و کوشش در عمل به آن است (آمدی، 1366، ج 1، ص 391).

در بیانات حضرت علی (ع) و در نهج‌البلاغه اهمیت علم و علم‌آموزی از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. محور برخی روایات ارزش و اصالت و شرافت انسان بر علم اوست مانند: «العلم الشرف الاحساب»؛ برخی روایات حیات بودن علم را مورد تأکید قرار داده‌اند مانند: «العلم الحیاه»؛ برخی روایات ناظر بر «جنبه عبادی» علم هستند مانند «قلیل من العلم خیر من کثیر العباده»؛ و برخی روایات «مزیت علم» بر مال را بیان می‌کنند؛ و برخی روایات علم را منشأ «قدرت» دانسته‌اند مانند «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صل علیه» (ابن ابی الحدید، 1380، ج 20، ص 319).

اهمیت علم و علم‌آموزی در دین مبین اسلام به حدی است که به آموختن آن حتی از منافقان و مشرکان نیز سفارش شده است. امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «..... و الحکمة ضالّة المؤمن فاطلبوها و لو عند المشرک تکونوا احقّ بها» (همان، ج 2، ص 99)؛ حکمت گمشده‌ی مؤمن است، پس آن را بجوید، هر چند نزد مشرک باشد، چرا که شما برای بهره‌مندی از آن سزاوارتر هستید. و در جای دیگری امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «الحکمة ضالّة المؤمن فخذ الحکمة و لو من اهل النفاق» (همان، ج 2، ص 99)؛ حکمت گمشده‌ی مؤمن است؛ پس آن را - هر چند از منافقان - فرا گیرید. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «الحکمة ضالّة المؤمن فحيثما وجد احدکم ضالّتها فليأخذها» (الكافي، ج 8، ص 9)؛ حکمت گمشده‌ی مؤمن است، پس هر کجا یکی از شما گمشده‌اش را یافت باید آن را برگرد.

همچنین عدم بخل ورزیدن در نشر علم مورد توجه قرار گرفته است. امیرالمؤمنین (ع) در این مورد می‌فرماید: «المال تنقضة النفقة و العلم يزكو على الإنفاق» (بحار الانوار، ج 1، ص 188)؛ مال با خرج کردن کم می‌شود، در حاکی که علم با انفاق زیاد می‌گردد. و همچنین می‌فرماید: «إن النار لا ينقضها ما اخذ منها و لكن يخمدها أن لا تجد خطباً، و كذلك العلم يفتنيه الاقتباس لكن بخل الحاملين له سبب عدمه» (غررالحکم، ج 3520)؛ هر چه از آتش برگرفته شود آن را کم نمی‌کند، تنها نبود هیزم آن را خاموش می‌کند، علم نیز چنین است که برگرفتن از آن آن را نابود نمی‌کند، این بخل حاملان علم است که موجب نیستی آن است.

اگر شیوه ارجاع دهی یکسان باشد بهتر خواهد [M4]: Commented
بود یا در همه موارد کتاب نوشته شود یا نوشته نشود؟

همچنین در روایات، علاوه بر علم‌آموزی نشر علم نیز مورد تاکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ (غررالحکم، ج 5444)؛ زکات دانش منتشر ساختن آن است. امام محمد باقر (ع) نیز می‌فرماید: زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ (الکافی، ج 1، ص 41)؛ زکات دانش آن است که آن را به بندگان خدا یاد دهی. امام حسن مجتبی (ع) نیز در مورد علم‌آموزی و نشر آن می‌فرماید: «علم الناس علمک و تعلم علم غیرک» دانش خود را به مردم بیاموز و دانش دیگران را یاد بگیر. (مجلسی، ج 75، ص 111). و در جای دیگری می‌فرماید: «عَلَّمَ النَّاسَ عِلْمَكَ ... فَتَكُونُ قَدْ أَتَقَنَّتَ عِلْمَكَ» (بحارالانوار، ج 75، ص 111)؛ دانش خود را به دیگران تعلیم ده... که در این صورت، آن را استوار ساخته‌ای.

به این جمله دقت شود: [M5] Commented

با این همه، علم در اسلام دارای ارزش ذاتی نیست و تنها در صورتی سودمند است که فراگیری آن با انگیزه‌ی الهی همراه باشد. براین اساس، امام باقر (ع) می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ، أَوْ يَمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ، أَوْ يَصْرِفَهُ بِهِ وَجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ» (الکافی، ج 1، ص 47)؛ کسی که علم را با این انگیزه طلب کند که به وسیله‌ی آن بر عالمان فخر بفروشد، یا با کم‌خردان به مجادله بپردازد و یا مردم را متوجه خود سازد، جایگاهش در آتش خواهد بود. همچنین، اگر «علم» با «عمل» و «افزایش آگاهی» یا «رشد روحی و معنوی» همراه نگردد، چنین دانشی نه تنها انسان را به کمال نمی‌رساند، بلکه او را از مقصد اصلی دورتر می‌سازد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: كُلُّ عِلْمٍ وَ بَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَنْ عَمِلَ بِهِ» (بحارالانوار، ج 2، ص 38)؛ هر دانشی مایه‌ی آزار دارنده آن است، مگر آن کس که به علم خود عمل کند؛ یا، «مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يَعْزَلْ بِمَا فِيهِ خَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»؛ اگر کسی قرآن را یاد بگیرد اما به آن چه در قرآن است عمل نکند خداوند در روز قیامت او را نابینا محسوس می‌سازد (همان، ج 74، ص 102).

در بیان ضرورت و اهمیت تربیت، حضرت علی (ع) فرمودند: «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ، رِبَانِي وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاهِ هَمَجٍ زَعَاغٍ اتَّبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجِئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ»؛ مردم سه دسته اند: دانایی که خداشناس است، آموزنده‌ای که در راه رستگاری کوشا است و فرومایگانی رونده به چپ و راست که در هم آمیزند و پی هر بانگی را گیرند و با هر باد به سویی خیزند، نه از روشنی دانش فروغی یافتند و نه به سوی پناهگاهی استوار شناختند. پس با شناخت تربیت صحیح و اقدام در مسیر آن انسان می‌تواند خود را از پرتگاه‌های هلاکت دور سازد و در مسیر سازندگی روح و نفس خود قدم بردارد و به آن جایی رسد که لایق آن است. هم چنین در این مسیر با تربیت صحیح می‌توان از اشار و بدی‌ها در امان بود چرا که به فرموده حضرت امیرالمؤمنین (ع) فقدان ادب سبب هر شر و بدی است: عَدَمُ الْأَدَبِ سَبَبُ كُلِّ شَرٍّ.

حضرت امام خمینی «ره» نیز در مورد اهمیت تربیت می‌فرماید:

«اساس عالم بر تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است و انبیاء آمده‌اند برای این که این عصاره بالقوه را بالفعل کنند و انسان یک موجود الهی بشود که این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه‌گاه نور مقدس حق تعالی است.»

اهمیت تعلیم و تربیت در دین اسلام به حدی است که نقش والدین در این امر مهم نیز تبیین شده است. برای نمونه، حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ» (بحارالانوار، ج 101، ص 95)؛ فرزندانان را گرامی دارید و به آنان آداب نیکو بیاموزید، و هم‌چنین می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَ السَّبَاحَةَ وَ الرَّمَائِيَةَ» (کنز العمال، ج 16، ص 443، ح 45340)؛ حق فرزند بر پدر آن است که به او نوشتن، شنا و تیراندازی بیاموزد. امیر المؤمنین (ع) در این مورد می‌فرماید: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ» (کنز العمال، ج 16، ص 584، ح 45953)؛ فرزندانان را به جست و جوی دانش فرمان دهید. و در جای دیگری می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ ... يُحَسِّنَ آدَبَهُ» (نهج البلاغه، حکمت 399)؛ حق فرزند بر پدر آن است که به او آداب نیکو بیاموزد. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «تَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ... الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ» (بحارالانوار، ج 75، ص 236، ح 67)؛ بر پدر واجب است که در ادب آموزی به فرزند فراوان بکوشد.

2-1-1-1 معنای تربیت

تربیت در لغت، به معنای پرورش دادن است که در آن نمو و زیادتی ملاحظه شده است. در قرآن کریم، مشتقات تربیت چندین بار به کار رفته است، از جمله آیه 39 سوره فصلت:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُخْيِبٍ الْمُتَوْتِي إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ و از جمله آیات قدرت الهی آنکه زمین را بنگری خشک و پژمرده که چون ما بر آن آب باران فرود آریم بردمد و گیاه برآورد و اهتزاز و نشاط و خرمی یابد. باری، آن کس که زمین را زنده کند مردگان را هم زنده گرداند که او بر هر چیز قادر است.

و سوره اسرا آیه 24 «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا»؛ و از روی مهربانی در برابر آنها بال های خضوع و ذلت فرود آر، و بگو: پروردگارا هر دو را رحمت کن به پاس آنکه مرا در خردی (از روی رحمت) تربیت کردند.

بعضی از محققان می‌گویند: ربّ در جمله «ربّیانی» از ماده ربو است نه از ماده رب چون معنای تربیت، در نوع مواردی که به کار رفته عبارت است از نموّ و زیادت جسمانی و پرورش مادی؛ و تربیت و سوق دادن به کمال و سعادت معنوی در اغلب موارد ملاحظه نشده است، البته تربیت به مفهوم عامّ آن همه مراتب نشو و نما و زیادتی را - اعم از مادی و معنوی - شامل می‌شود. بنابراین واژه «تربیت»، - با توجه به ریشه آن - به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است. علاوه بر این، تربیت به معنای تهذیب و از بین بردن صفات ناپسند اخلاقی نیز به کار رفته است. با این نگرش که تهذیب اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث می‌توان تهذیب را نیز تربیت دانست.

Commented [M6]: تربیت دارای دو معنی عام و خاص است در معنای عام همانطور که از تربیت انسان می‌شود صحبت کرد از تربیت حیوان و چیزهای دیگر هم می‌توان صحبت کرد ولی تربیت در معنای خاص معادل کلمه Education است آن به معنای آموزش و پرورش است و آن هم مختص انسان است.

تربیت از نظر شهید مطهری عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن. این پرورش دادن به معنی شکوفا کردن استعدادهای درونی آن موجودات است. از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت باشد؛ یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود باید کوشش کرد همان استعدادی که در آن هست بروز و ظهور کند، اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است چیزی که نیست و وجود ندارد نمی‌شود آن را پرورش داد. بنابراین تربیت از دیدگاه اسلام پرورش استعداد و به فعلیت در آوردن آن است.

3-1-1 دیدگاه اسلام در مورد نقش دولت در تربیت

جهل و نادانی، عامل تباهی مردم و حکومت‌ها می‌باشد. هر چند حکومت‌های استبدادی در پی آنند که مردم در جهل باقی بمانند؛ زیرا جهل را عامل بقا می‌دانند. اما حکومت دینی مبتنی بر فرمان الهی، بنا دارد که انسان‌ها بفهمند و با آگاهی و بینش، راه صحیح و نادرست را از هم تشخیص دهند. بنابر این، در قرآن، روایات و سیره معصومین (ع) اشارات فراوانی مبتنی بر دخالت دولت در تربیت احاد جامعه وجود دارد. و حتی هدف از تشکیل حکومت در اسلام، زمینه‌سازی برای هدایت مردم بسوی کمال و برپایی عدالت عنوان شده است.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَيَلْعَلُمَ اللَّهُ مِنْ بُنُورِهِمْ وَسُورُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (سوره حدید، آیه 25)؛ به یقین ما فرستادگان خود را با دلایلی روشن (از منطق و معجزه) فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و وسیله سنجش (معانی و شناسایی حق از باطل و وزن اشیاء خارجی) فرو فرستادیم تا مردم (در زندگی دنیا) به قسط و عدل برخیزند، و آهن را (از مرحله امکان به حیطه وجود) فرو فرستادیم که در آن نیرویی سخت (در جنگ و دفاع) و منافی (دیگر) برای مردم است و تا خداوند کسانی را که او و فرستادگانش را در نهان یاری می‌دهند بشناسد (علم‌ازلیش بر معلوم متأخر منطبق گردد)، که همانا خدا نیرومند و مقتدر شکست‌ناپذیر است.

اصولاً اصلی‌ترین هدف انبیا، تعلیم و تربیت انسان‌ها است. نهج‌البلاغه معتقد است آموزش و آموختن، آن‌چنان باید در جامعه محترم شمرده شود که هیچ یک از مردم از آموختن شرم و حیا نداشته باشند و در این باره چنین می‌فرماید: و لا یستحین أحد اذا لم یعلم الشیء ان یتعلمه، کسی در آموختن آنچه که نمی‌داند، شرم نکند.

در مورد نقش حکومت در تربیت مردم، امیرالمومنین (ع) در آخرین فراز از خطبه ۳۴ درباره حقوق متقابل مردم و ولی

بریکدیگر می‌فرماید:

«إِنَّهَا النَّاسُ إِنْ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْعِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالتَّبِيعَةِ وَ التَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ»؛ ای مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی است. حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن و نیکخواهی شماست و غنایم را به‌تمامی، میان شما تقسیم کردن و تعلیم دادن شماست تا جاهل نمانید و تأدیب شماست تا بیاموزید. حقی که من به گردن شما دارم، باید که در بیعت وفادار باشید و در رویاروی و پشت سر نیکخواه من

باشید و چون فرا می‌خوانمتان به من پاسخ دهید و چون فرمان می‌دهم فرمان برید. همچنین در غرر الحکم و درر الکلم از امام علی (ع) نقل شده است که «علی الامام ان يعلم اهل ولايته حدود الاسلام و الايمان». بنابراین، فراهم کردن امکانات و وسایل تعلیم و تربیت مردم بر حکومت لازم است. این مباحث نشان می‌دهند که تعلیم و تربیت نه تنها وظیفه و هدف بلکه راز بقای حکومت می‌باشد و راه عذر را بر بهانه‌تراشان می‌بندد (قطع العلم عذر المتعللين)؛ دانش، راه عذر تراشی را بر بهانه جویان بسته است.

4-1-1-1 جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مباحث نشان می‌دهند که دین اسلام دین تعلیم و تربیت است، چرا که اولین آیات نازل شده بر پیامبر درباره دانش و آموختن است و بعثت پیامبر اکرم (ص) با سفارش به دانش‌اندوزی آغاز شده است. اسلام علم را چراغ عقل و نافع‌ترین گنج و بهترین هدایت معرفی کرده و همگان را به علم‌آموزی و عمل به آن دعوت می‌کند و برای صاحبان علم و اندیشه جایگاه رفیعی قائل شده است.